

ریشه‌ها و ابعاد رویارویی آمریکا و روسیه در قفقاز

پروانه زارع میلاجردی*

میترا بمانا**

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و برهم خوردن ترتیبات امنیتی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، همواره این منطقه کانون توجهات و تحولات مهم بین‌المللی و صحنه رقابت قدرت‌های جهانی بوده است. بازیگران خارجی با حمایت از نهضت‌های شورشی و جدایی طلب در این منطقه، در صدد دستیابی به اهداف استراتژیک و یا ایدئولوژیک بوده اند. ایالات متحده آمریکا پس از تجزیه شوروی خود را تنها قدرت هژمون در نظام بین‌الملل می‌داند، و همواره با یک نگاه ویژه به قفقاز نگریسته است. تحركات سال‌های اخیر آمریکا در منطقه به شکل مداخله سیاسی و انقلاب‌های مخملی در گرجستان (انقلاب گل رز)، اوکراین (انقلاب نارنجی) و تلاش برای کشاندن جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق به زیر چتر آمریکا، امضای موافقتنامه دو جانبه آمریکا با چک و لهستان در جهت استقرار سامانه دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی و پیشروی ناتو به شرق، الحاق اوکراین به نیروهای واکنش سریع ناتو و آمادگی غرب برای جذب گرجستان و اوکراین به سازمان ناتو بیانگر تلاش‌های طاقت فرسای آمریکایی‌ها برای تحکیم هژمونی خود در این منطقه می‌باشد.

بر این اساس سوال مقاله این است که «چه عواملی موجب حضور آمریکا در منطقه و رویارویی این کشور با روسیه شده است؟» فرض مقاله آن است که «از یک سو کشورهای منطقه، روسیه را به عنوان یک تهدید امنیتی علیه خود به حساب می‌آورند، بنابراین از آمریکا به عنوان یک نیروی دومی جهت کنترل روسیه استفاده می‌کنند و از سوی دیگر، منابع و ذخایر انرژی و موقعیت استراتژیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، حضور آمریکا در منطقه را پررنگ کرده است و حساسیت روسیه به دخالت‌های واشنگتن در حیات خلوت این کشور را می‌توان علت رویارویی دو کشور دانست.»

موقعیت و ژئوپلیتیک قفقاز

منطقه قفقاز که به جهت سکونت ۵۰ گروه قومی به نام موزاییک اقوام مشهور شده است، محدوده ای به وسعت ۴ هزار کیلومتر و با جمعیتی در حدود ۲۲ میلیون نفر می‌باشد. رشته کوه قفقاز که ۱۵۰۰ کیلومتر طول دارد، سرزمین قفقاز را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند.

شمال قفقاز شامل جمهوری‌های خود مختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردا بالکار، قره‌چای چرکس و آدیینه است که در ترکیب فدراسیون روسیه قرار دارد و قفقاز جنوبی شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌شود (۱) که پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۸۹ به استقلال دست یافتند.

قفقاز جنوبی یکی از پر تنش ترین مناطق جهان است، به طوری که بحران قره باغ و جدایی طلبی در گرجستان، از پیچیده ترین بحران‌های جهان می‌باشد که ریشه در سیاست‌های حاکمیتی شوروی سابق دارد. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، موجب افزایش توجه بازیگران بین‌المللی به این مناطق شد. آمریکا، روسیه، اروپا، ایران، ترکیه، چین، هند و پاکستان از جمله مهم ترین قدرت‌ها و کشورهایی هستند که تلاش‌های گسترده ای را جهت حضور در منطقه به عمل آوردند و با توجه به منافع متفاوت و متضاد قدرت‌ها و اولویت‌های استراتژیک آنها موجب رقابت‌های گسترده در منطقه شده است.

ریشه منازعات در قفقاز

مهم ترین ریشه منازعه در قفقاز را باید در مهار روسیه توسط آمریکا و اروپا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق جستجو کرد. مهار روسیه مستلزم جلوگیری از هژمونی روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی بود تا علاوه بر مهار، موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و حتی ژئواکونومیک روسیه نیز تضعیف می‌شد، منطقه قفقاز در واقع دروازه اصلی روسیه برای تعامل با جهان محسوب می‌شود به گونه‌ای که بسته شدن این دروازه به مثابه بستن درهای اقتصادی، سیاسی و استراتژیک بر روی روسیه می‌باشد و در این میان تسلط بر گرجستان در حقیقت تسلط بر اصلی ترین دروازه جهانی مسکو است. بر این اساس لازمه مهار کرملین، حضور در حیات خلوت روسیه (قفقاز) و کوتاه کردن دست این کشور از منطقه مذکور بود. در این راستا آمریکا و اروپا تلاش خود را معطوف به اقدامات زیر کردند:

۱- تلاش برای تجزیه روسیه از طریق حمایت از جدایی طلبان در قفقاز شمالی (اوستیای شمالی، داغستان، اینگوش، اوجیا، کراخای شرکسیا، چچن و کاباردینوبلگاریا)

۲- محاصره و محدودسازی مسکو در منطقه خارج نزدیک از طریق گسترش ناتو به شرق

۳. بسط نفوذ در جمهوری‌های مشترک المنافع از طریق بنیاد سوروس و... با بهره‌گیری از عناصر غرب گرا

۴- احداث خط لوله باکو، تفلیس، جیحان به منظور تضعیف موقعیت ژئواکونومیک روسیه. (۲)

دور جدید مهار روسیه از سال ۲۰۰۲... آغاز گردید. توسعه دفاع موشکی امریکا در برابر روسیه در سال ۲۰۰۲... زمینه‌سازی برای خروج، یک‌جانبه و اشنگتن از پیمان ضد موشک‌های بالستیک در ۲۰۰۲، پیگیری انقلاب رنگین (انقلاب گل رز گرجستان ۲۰۰۳ و انقلاب نارنجی اکراین ۲۰۰۴)، مذاکره برای استقرار سامانه‌های دفاع موشکی در اروپای شرقی (چک و لهستان) و... در واقع ناظر بر اجرای مهار جدید روسیه و تغییر توازن استراتژیک به سود امریکا و ناتو بود. کاخ سفید در ادامه مهار جدید کرملین، از پیمان گوام که شامل کشورهای آذربایجان و گرجستان بود، حمایت کرد. آمریکا سعی داشت در چارچوب یک توافق‌نامه مشارکت نظامی و امنیتی بین پیمان گوام و ناتو (همانند پیمان سنتو و ناتو) حق دخالت نظامی برای ناتو را در منطقه قفقاز ایجاد نماید. اقدامات آمریکا و ناتو در دور جدید مهار روسیه به ویژه انقلاب‌های «گل رز» در گرجستان و نارنجی در اکراین و همچنین موضوع استقرار سامانه‌های سپر دفاعی در چک و لهستان، به مخالفت‌های روسیه و ناخشنودی کرملین از کاخ سفید شکل تازه‌ای داد. روس‌ها که نظاره‌گر پیشروی امریکا و ناتو در حیات خلوت و منطقه خارج نزدیک خود بودند، منافع ملی و توازن استراتژیک مورد نظرشان را در خطر دیدند. از این رو مسکو عملاً وارد یک رویارویی با امریکا و ناتو گردید که برخی از کارشناسان از این رویارویی با عنوان «جنگ سرد جدید» یاد می‌کنند.

علل رویارویی روسیه و غرب در منطقه قفقاز

اقدام نظامی گرجستان برای حل مسئله خود مختاری اوستیای جنوبی که با پاسخ روسیه مواجه شد، پیامدهایی به همراه داشت که مهمترین آن تیرگی روابط روسیه و امریکا بود. سردی روابط دو قدرت از سال گذشته آغاز شد و عواملی مانند تصمیم امریکا برای استقرار سامانه دفاع موشکی در کشورهای چک و لهستان، حمایت از استقلال کوزوو از صربستان، در آن تاثیرگذار بود امریکا به عنوان متحد نزدیک گرجستان بعد از عملیات نظامی گرجی‌ها در اوستیای جنوبی، واکنش نظامی روسیه را محکوم کرد و به اعمال فشار بر مسکو در سطح بین‌الملل پرداخت.

در این بین رویارویی دو قدرت در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به اهداف آنان در این منطقه باز می‌گردد. در ذیل به بررسی اهداف دو کشور می‌پردازیم:

الف) اهداف امریکا:

۱. مهار ایدئولوژی اسلام‌گرای،
 ۲. مهار ایران،
 ۳. جلوگیری از نفوذ بیش از حد روسیه،
 ۴. ارائه الگویی برای کشورهای منطقه،
 ۵. اهداف نظامی - امنیتی: یکی از اهداف امریکا برای کاهش نفوذ روسیه در منطقه، وارد کردن جمهوری‌ها در حوزه مناسبات نظامی - امنیتی غربی است که کشورهای آسیای مرکزی در بطن این هدف قرار دارند. این کشورها به شکلی دقیق از سوی امریکا وارد پیمان‌های امنیتی شده‌اند؛ به گونه‌ای که در قالب گسترش ناتو به شرق، امریکا توانست به طور فزاینده‌ای با کشورهای منطقه - خصوصاً آسیای مرکزی - تمرینات نظامی انجام دهد و پیمان‌های نظامی با کشورهای مذکور منعقد کند. (۳)
 ۶. کنترل ذخایر انرژی: تحقیقات نشان داده است که میزان ذخایر این حوزه بین ۱۵ تا ۳۰ میلیارد بشکه است که در چنین حالتی حوزه دریای خزر به حسب ذخایر نفتی آن قابل مقایسه با دریای شمال با ۱۷ میلیارد بشکه و امریکا با ۲۹/۸ میلیارد بشکه می‌باشد. ذخایر گاز ثابت شده در حوزه دریای خزر بین ۵/۵۸ و ۸/۳ تریلیون متر مکعب گزارش گردیده است. (۴)
- ب) اهداف روسیه:

۱. منافع اقتصادی از طریق بهره‌برداری از منابع منطقه به ویژه نفت، گاز و مواد خام،
 ۲. منافع قومی - فرهنگی از طریق حمایت از حقوق حدود ۱۰ میلیون نفر اقلیت روسی تبار ساکن در منطقه،
 ۳. منافع نظامی - استراتژیک از طریق جلوگیری از بی‌ثباتی و منازعه در منطقه و همچنین تسلط بازیگران خارجی و ایجاد پایگاه‌های نظامی،
 ۴. منافع سیاسی از طریق مقابله با گسترش اسلام‌گرایی افراطی در منطقه. (۵)
- از اواسط دهه ۹۰ ورود امریکا به منطقه موجب تهدید منافع روسیه گشت و سیاست رسمی روسیه به مخالفت با حضور غرب و نفوذ آن در حیات خلوت خود، شکل گرفت. روسیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و مرزهای طولانی و مسائل مشترک امنیتی، شریک همیشگی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز باقی می‌ماند. روسیه این مناطق را منطقه نفوذ و منافع ویژه خود می‌داند؛ در حالی که امریکا این مساله را قبول ندارد. صرف نظر از نقشی که این منطقه برای غرب در بهره‌برداری و انتقال انرژی بازی می‌کند، منطقه مناسبی برای نفوذ امریکا جهت ضربه به روسیه می‌باشد. علیرغم پایان جنگ سرد در روابط امریکا و روسیه، دو کشور تا کنون هیچ‌ساز و کار با ثباتی برای حل و فصل مسائل خود ایجاد نکرده

اند. فضای حاکم بر روابط دو قدرت را می‌توان صلح سرد نامید. صلحی که اگرچه پس از پایان جنگ سرد برقرار است، اما متزلزل به نظر می‌رسد. (۶) مسائل مورد رقابت مسکو و واشنگتن بعد از فروپاشی، شامل مسائل استراتژیک در حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و رقابت تسلیحاتی می‌شود. در حوزه ژئوپلیتیک، رقابت با گسترش یکجانبه گرایی امریکا بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در جهان و مناطق پیرامون روسیه و حفظ و توسعه پیمان ناتو تا مرزهای روسیه می‌باشد. با از میان رفتن پیمان ورشو، ناتو منحل نگردید و این مساله، نگرانی روسیه را بر می‌انگیزد. بخصوص وقتی که صحبت از گسترش آن به سوی شرق می‌شود. تحرکات امریکا برای انعقاد پیمانها و اتحادیه‌های نظامی در منطقه ای که روسیه آن را منطقه نفوذ خود می‌داند (آسیای مرکزی و قفقاز) نشان دهنده ی اعلام قدرت و جنگ سرد است. مسکو گسترش ناتو را به مثابه کنترل و مهار خود می‌داند. در حوزه ژئواکونومیک نیز روسیه دارای منابع غنی انرژی می‌باشد و از این موضوع به عنوان برگ برنده استفاده می‌کند و تلاش دارد توزیع انرژی را در بازار جمهوری‌های آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا در اختیار بگیرد. در مقابل امریکا نیز به منظور جلوگیری از احیای قدرت روسیه، سعی می‌کند محور انرژی خزر و خلیج فارس را در کنترل بگیرد. (۷)

در حوزه رقابت تسلیحاتی، شاهد رقابت دو قدرت بر سر تولید تسلیحات و موشک‌های پیشرفته و اختصاص بودجه‌های نظامی سنگین هستیم. البته دو قدرت به رغم رقابت‌های مذکور، بسیار محتاطانه عمل می‌کنند و سعی می‌کنند تا حد امکان در روابط خود تعامل مثبت برقرار کنند.

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به مناطقی تبدیل شده است که بیشترین منافع را برای بازیگران در بر دارد. واشنگتن به دلیل سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و همچنین به خاطر منافع ژئوپلیتیک در منطقه، علاقه‌مند به ثبات و امنیت می‌باشد. (۸) از طرفی روسیه توان چشم پوشی از نفوذ امریکا در کشورهای این منطقه را ندارد. هر دو قدرت تلاش می‌کنند بازیگر اصلی در منطقه باشند اما واقعیت این است که استقرار پایگاه‌های امریکایی که در چارچوب لشکرکشی بین‌المللی علیه تروریسم ایجاد شدند، شرایطی را ایجاد کرده است که ایالات متحده از نظر سیاسی این منطقه را بهتر از روسیه کنترل کند. (۹)

جنگ اخیر در اوستیای جنوبی نشان داد که روسیه به هیچ وجه در منطقه در مقابل امریکا کنار نخواهد آمد و به امریکا این پیام را داد که روسیه حیاط خلوت خود را در کنترل دارد. نظریه مکیندر که بر اهمیت قدرت دریایی و کنترل راه‌های ارتباطی دریایی به عنوان موثرترین راه برای اعمال کنترل و قدرت در جهان تاکید داشت، مورد توجه قدرت‌ها از جمله امریکا می‌باشد. در این قرن قدرت جهانی را کسی خواهد داشت

که بتواند بر منابع و خطوط انرژی تسلط داشته باشد. طبق این نظریه آسیای مرکزی و قفقاز منطقه قلب زمین یا هارتلند به حساب می‌آیند بنابراین فکر اینکه امریکا از این منطقه دست بردارد، غیر ممکن است و روسیه باید به گونه ای با این موضوع کنار بیاید. دو قدرت در صحنه مبادلات بین‌المللی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به یکدیگر نیازمند هستند. بنابراین این گونه رقابت‌ها و جدال‌های لفظی را نمی‌توان آغاز جنگ سرد دانست.

نتیجه گیری

منطقه قفقاز به دلیل شرایط خاص جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، مسائل سیاسی، تاریخی، نظامی و جامعه‌شناختی، از نقاط بحران خیز و در عین حال مهم جهان محسوب می‌شود و موضوع امنیت در این منطقه، برای کشورهای پیرامونی، قدرت‌های بزرگ و سایر نقاط دنیا حائز اهمیت فراوانی می‌باشد. امریکا که پس از تجزیه شوروی خود را تنها قدرت هژمون در نظام بین‌الملل می‌داند و همواره با یک نگاه ویژه به آسیای مرکزی و قفقاز نگریسته است، بعد از ۱۱ سپتامبر با بهانه مبارزه با تروریسم وارد حیاط خلوت روسیه شد و در این منطقه تمام تلاش خود را جهت محکم کردن جای پای خود از طریق بستن پیمان‌ها و اتحادیه‌های نظامی، ایجاد پایگاه‌های نظامی و کمک‌های اقتصادی به کشورهای منطقه می‌کند. کشورهای تازه استقلال یافته نیز از ترس سلطه مجدد روسیه دست به دامن قدرت‌های دیگر شده‌اند. این کشورها تجربه سیاسی لازم را برای اداره کشور ندارند و به خاطر کاستی‌هایی که از این موضوع سر چشمه می‌گیرد، به امریکا وابسته می‌شوند. می‌توان گفت که از یک سو کشورهای منطقه، روسیه را به عنوان یک تهدید امنیتی علیه خود به حساب می‌آورند. به همین سبب نیز از امریکا به عنوان یک نیروی دومی جهت کنترل روسیه استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، منابع و ذخایر انرژی و موقعیت استراتژیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، حضور امریکا در منطقه را پررنگ کرده است و حساسیت روسیه به دخالت‌های واشنگتن در حیاط خلوت این کشور را می‌توان علت رویارویی دو کشور دانست. در مورد رویارویی امریکا و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز دو سناریو قابل بررسی است:

سناریوی اول: بعد از بحران گرجستان، جنگ سردی جدید بین دو قدرت آغاز می‌شود و مسکو و واشنگتن در جهت رسیدن به اهداف خود با هم رقابت می‌کنند و شاید این رقابت‌ها در نقاط دیگر موجب درگیری شدیدتر شود.

سناریوی دوم: مسکو و واشنگتن در آینده سعی می‌کنند بدون به مخاطره انداختن روابطشان با یکدیگر رفتار کنند و به گونه ای عقلانی از کنار یکدیگر عبور کنند؛ چرا که هر دو می‌دانند بازگشت به دوران گذشته

منطقی نیست و از تکرار تاریخ جلوگیری می‌کنند. البته سرکوبی گرجستان توسط روسیه را که اعتراضات امریکا را برانگیخت نمی‌توان به رویارویی دو قدرت تعبیر کرد، بلکه این حرکت تهدیدی علیه دیگر جمهوری‌ها بود تا دیگر خودسرانه عمل نکنند.

^{xx} کارشناس روابط بین‌الملل

^{xx} کارشناس روابط بین‌الملل

پی‌نوشت‌ها:

۱. سید رسول موسوی، در جستجوی "آیة مشترک برای امنیت قفقاز"، همشهری دیپلماتیک-نیمه اول دی ۸۲-شماره ۴-نوامبر ۳۰۰۲، صص ۲-۱.
۲. رضا سراج، بررسی ریشه‌ها و پیامدهای جنگ در قفقاز، خبرگزاری فارسی، ۱۷ مهر ۱۳۸۷
۳. آسیای میانه، پیوستگی ژئوپلیتیک و قدرتهای منطقه‌ای، مجله پگاه حوزه، ۱۳۸۵/۹/۴، برگرفته از سایت www.did.ir
۴. امنیت در قفقاز جنوبی، غلامرضا هاشمی، کتبخانه دیجیتالی دید ۸۷/۳/۱۶ www.did.ir
۵. الهه کولایی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۶، صص ۱۳۲ و بنگرید به: - حبیب اله ابوالحسن شیرازی، "منافع ملی آمریکا در آسیای مرکزی در رقابت با روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۹، صص ۶۵-۶۸.
۶. سید کاظم رضایی، مسکو و واشنگتن پس از انتخابات کنگره آمریکا، افزایش اختلافات، همشهری دیپلماتیک، شماره نهم ۱۳۸۵، صص ۲۴
۷. همان
۸. مارسل دهاس، کشمکش در قفقاز و آینده آن، ماهنامه ایراس، شماره شانزدهم دی ماه ۱۳۸۵، صص ۱۱
۹. الکسی ستارف، رقابت روسیه و غرب در آسیای مرکزی، ایراس ۱۳۸۶/۳/۳۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی